

براساس آمار منتشره از سوی کمیساریای فراریان سازمان ملل در بهار امسال، هم اکنون قریب به ۵۰ میلیون فراری در دنیا وجود دارد. این یعنی به ازاء هر ۱۲۰ نفر انسان در این کره خاکی یک نفر فراری است. دو سوم این فراریان را زنان و کودکان تشکیل میدهند. ۵۰ میلیون انسان در دنیا به گفته سازمان ملل در کشورهایی به غیر از کشورهایی که ملیت آن را تشکیل میدهند در جستجوی پناهنده شدن هستند و رسماً جزو کشوری نیستند و آواره و در حال فرارند. دلایل فرار این جمعیت میلیونی، جنگ، فقر و بی حقوقی، اختناق سیاسی، ستم و آزار جنسی و سایر تضییقات و بی حقوقی هاست. اما دو سوم این جمعیت فراری یعنی زنان چه بعد و چه قبل از فرار از موقعیت بسیار اسفناکتری برخوردارند. دلایل فرار زنان علاوه بر جنگ، فقر و بی عدالتیهای اجتماعی و اختناق سیاسی همچنین زن بودن آنها و ستم جنسی سیستماتیک و روزمره به آنها به خاطر زن بودنشان است. این زنان حتی در راه فرار نیز از موقعیت و شرایط بدتری برخوردارند. فرار زن نیز چون همه ابعاد زندگی زن مهر محرومیت و ستم جنسی را بر پیشانی دارد.

اما اینجا بدو به دلایل فرار زنان نگاه کنید. به فقر نگاه کنید. دو سوم جمعیت فقیر دنیا را زنان تشکیل میدهند. این در حالی است که بیش از ۵۰ درصد جمعیت کارکن کره زمین از زنان تشکیل شده است. کارکنانی که از دستمزد برابر حتی آنجا که کار برابری صورت میگیرد برخوردار نیستند و بخش مهمتر کار آنها که در خانه صورت میگیرد، بدون پرداخت دستمزد، بیمه و حقوق اولیه هر انسان کارکنی در جامعه است. فقر دامنگیر اکثریت عظیم کارکنان و مردم زحمتکش جامعه بشری است. سرمایه داری حاصلی جز این برای جامعه نداشته است، اما فقر زن فقر به توان دو است. زنان نه فقط به خاطر سازمان اقتصادی جامعه که بر مبنای استثمار است بلکه همچنین به خاطر تقسیم کار نابرابر جنسی در این سیستم و موقعیت فرودست زن در کل جامعه مورد ستم واقع میشوند و به فقر و محرومیت بیشتری کشانده میشوند.

به جنگ نگاه کنید. اولین قربانیان آن زنان و کودکان بی دفاع هستند. هرچه این صنعت آدمکشی پیشرفت کرده و سلاحهای مخربتری ساخته شده است، تعداد بیشتری از انسانها، بویژه زنان و کودکان بیشتری قربانی آن شده اند. در جنگ جهانی اول تنها ده درصد کشته شدگان را زنان تشکیل میدادند، درجنگ جهانی دوم پنجاه درصد و در جنگ ویتنام نود درصد کشته شدگان را زنان و کودکان تشکیل میدادند. علاوه بر آن حتی زنانی که در این جنگها جان سالم از دست بمبها به در برده اند به طرز وحشیانه ایی مورد تجاوز جنسی فردی و حتی گروهی سربازان قرار گرفته اند. هم اکنون در یوگسلاوی ماهها بعد از جنگ، کودکانی به دنیا می آیند که پدران آنها با خشونت، تجاوز و آزار جنسی زنان موجب این وضع شده و بسیاری از مادران پس از زایمان حتی حاضر به در آغوش کشیدن این کودکان نیستند. کودکانی که حتی کسی حاضر نمیشود آنها را به فرزند قبول کند، کودکانی که شخصاً در این جنایت هیچ نقشی نداشته اند. صدها و هزاران زنی که در جنگهای منطقه ای کردستان مورد تجاوز سربازان قرار گرفته و در خود آلمان کمپینهای وسیعی با حمایت مردم براه انداخته اند، قربانیان جنگ ملی هستند.

به خشونت و آزار جنسی زنان نگاه کنید. اگر خشونت و آزار سازمان یافته و دولتی در کشورهای اسلامی را هم حتی از آن کم کنید، هم اکنون هر ۱۵ دقیقه در دنیا یک زن کتک می‌خورد. ۹۰ میلیون زن و کودک دختر آلت تناسلی شان بریده و مثله شده است. تنها در هندوستان در چند سال اخیر از هشت هزار کودکی که مورد سقط جنین واقع شده اند، فقط یک مورد پسر و همگی دختر بوده اند. تجاوز و آزار جنسی، محرومیت سیاسی و اجتماعی و حقوقی و نابرابری با اسم زن تداعی می‌شود.

به کشورهای اسلام زده نگاه کنید. این بی حقوقی سیستماتیک و سازمان یافته جزو قوانین حقوقی و مدنی کشور است. براساس قوانین رسمی دولت آلمان در زمینه حقوق پناهندگان فشار و تزیقات و تعقیب و آزار اگر رسمی و قانونی و از طرف دولت کشوری به انسانی اعمال شود او حق دارد رسماً تقاضای پناهندگی کند ولی همه ساله تقاضای پناهندگی هزاران زن رد و آنها در معرض دیپورت قرار می‌گیرند. این در حالی است که بر همه دنیا مسجل است که در کشورهای اسلام زده و بویژه ایران و افغانستان قوانین رسمی کشور قوانینی ضد زن و ضد انسانی است. کدامیک از آنها نمیدانند که سنگسار و قصاص، حجاب اجباری، محرومیت از حق طلاق و نابرابری رسمی بدل به قانون اساسی مملکت شده است. چه کسی هست که هنوز نمیداند که هزاران زن هر سال از دست این جهنم اسلامی برای نجات جان خود و فرزندانش رنج فرار را بر خود هموار می‌کند. فرار زنان اعتراضی است علنی و آشکار به خفقان اسلامی و به زن ستیزی آشکار و این که زنان سر تسلیم در مقابل آن فرود نیآورده و نخواهند آورد. هم اکنون در سراسر اروپا در غالب مصاحبه های پذیرش پناهندگی، زنان اعلام میکنند که: "ما به اینجا آمده ایم به این دلیل ساده که زن هستیم".

اگر زمانی کیس های پناهندگی زنان جمع آوری و منتشر شود دنیا با ادعانامه های هزاران و میلیونها زن در اعتراض به نابرابری و زن ستیزی اسلامی مواجه خواهد شد. همه این زنان همانگونه که پیشتر به آن اشاره کردم در انتخاب فرار و در راه فرار نیز با مشکلات و مصائب بیشماری مواجه بوده اند. در کشورهایی مثل ایران زنان بدون اجازه شوهر و یا پدر اجازه سفر ندارند و برای بسیاری از این زنان که قبل از خروج از کشور خود و فرزندانشان را بدو از پدران و شوهرهایشان مخفی میکنند و از قضا از دست خود آنها و فشارهایشان در خانواده دست به فرار میزنند، رنج گریختن چند برابر میشود. زنان در این کشورها به دلیل عدم دسترسی به دارایی خانواده که اکثراً تحت تملک مردان میباشد و به دلیل محرومیت های اجتماعی، عدم دسترسی به روابط و امکاناتی که فرار را میسر میکند، مجبور میشوند به بسیاری ناملازمات تن در دهند. مسئولیت فرزندان را حتی جاییکه فرار دسته جمعی و با توافق زن و مرد صورت میگیرد باید زنان عهده دار شوند. زمانی که مردان زودتر از زنان از کشور خارج شوند کودکان باید نزد مادرانشان بمانند و اگر زنان زودتر خارج بشوند باز باید کودکان را با خود بیاورند. در هر دو صورت فرار برای مادران با فرزندان خردسال بسیار دشوار است و چه بسا زمانی که در راه فرار هم مورد تجاوز قرار گرفته اند و یا جان خود را از دست داده اند. فرار زنان ریشه در ستمی دارد که در جامعه به آنها تحمیل شده است. بنا به همه این دلایل است که ما برای به رسمیت شناخته شدن علل فرار زنان به عنوان دلایل قانونی و رسمی پناهندگی مبارزه میکنیم. ما اعلام میکنیم که دولتها و قوانین ضد زن آنها مسئول اصلی فرار زنان هستند و ستم بر زن مثل سایر دلایل پنجگانه فرار تعیین شده از سوی کنوانسیون ژنو در سال ۱۹۵۱ باید به رسمیت شناخته شود. این ستمی رسمی، آشکار، قانونی و سیاسی و اجتماعی است. این ستم

باید به عنوان بی حقوقی آشکار و ناقض حقوق بشر به رسمیت شناخته شود. این باید داغی بر پیشانی این جهان باشد. باید اعلام شود و پذیرفته شود که امروز در جهان معاصر با زنان به عنوان نیمه بشریت چنین میکنند. این باید به رسمیت شناخته شود که دولتها رسماً در برپایی این ستم نقش داشته و مقصرند و اینکه در وضعیت فعلی جهان ستم علیه زنان فقط به چهاردیواری خانه محدود نمیشود و امری شخصی نیست بلکه ستمی است سازمان یافته و دولتی. باید به رسمیت شناخته شود که زنان از سوی دول اسلامی رسماً تحت پیگرد، دستگیری و آزار قرار گرفته و بر اساس قوانین دینی و قضایی کشور کشتار میشوند. رنج و مبارزه زنان باید در همه جا ثبت شود. جنبش مبارزه برای حقوق زنان و در اینجا حقوق زنان فراری جنبشی گسترده و وسیع به گستردگی خود جمعیت زنان فراری است. جنبش زنانی که از کشورهای اسلام زده گریخته اند پرقدرتترین تحرک را در درون این جنبش تشکیل میدهد. ما در عین حال که خواهان به رسمیت شناخته شدن دلایل فرار زنان از کشورهای مختلف به عنوان دلایل معتبر پناهندگی هستیم، در همان حال نیز بر به رسمیت شناخته شدن آزار سیستماتیک اسلامی به عنوان دلیل فرار میلیونها زن از کشورهای اسلام زده، کشورهایی که همانگونه که اشاره شد، زن آزاری قانون رسمی کشور و حکومتشان است، پا فشاری میکنیم. باید زنانی که از کشورهای اسلام زده مثل ایران و افغانستان میگریزند بدون چون و چرا و انجام سلسله مراتب بورکراتیک فوراً به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شوند. هیچ مرجع قانونی نباید اجازه پیدا کند زنان را به جهنمی که از آن گریخته اند بازپس بفرستد.

مادام که در ایران حکومت اسلامی حاکم است، مادام که قانون اساسی کشور، اسلامی، ضد زن و ضد انسانی است باید زنان به عنوان قربانیان این جنایت اسلامی و رسمی در کشورهای پناهنده پذیر پناه پیدا کنند. خود زنان قبل از هر کس باید به این امر واقف باشند، زنان باید بدانند که حق اقامت و پناه گرفتن حق مسلم آنان است ما این حق را گدایی نمیکنیم. ما برای به رسمیت شناخته شدن این حق در همین سطوحی که امروز با آن مواجه هستیم مبارزات فراوان کرده و رنجهای بیشماری کشیده ایم. اگر امروز پس از سالها مبارزه، اتحادیه اروپا علل فرار زنان را به عنوان علل تقاضای پناهندگی حداقل روی کاغذ به رسمیت میشناسد، اگر دولت کانادا اعلام میکند که تضيیقات جنسی را به عنوان دلیل فرار به رسمیت میشناسند، بر خود ما قبل از هر کسی باید مسجل باشد که این حاصل مبارزه و مقاومت جنبش برابری طلبانه زنان است. زیر پای ما را جنبش ما سفت کرده است. این حق ماست که برگرفتن این حق پافشاری کنیم و کوتاه نیاییم. این جنبش چه در ایران و چه در خارج کشور به جنبشی پر قدرت تبدیل شده است. این حق مسلم هر زنی است که فقط و فقط به دلیل زن بودنش در اینجا حق اقامت دریافت کند. هم از این رو ما به تحقق این خواسته بر اساس منشور حقوق زنان فراری و پناهنده پا فشاری میکنیم. به مبارزه همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برای تحقق این خواستها پیوندید.